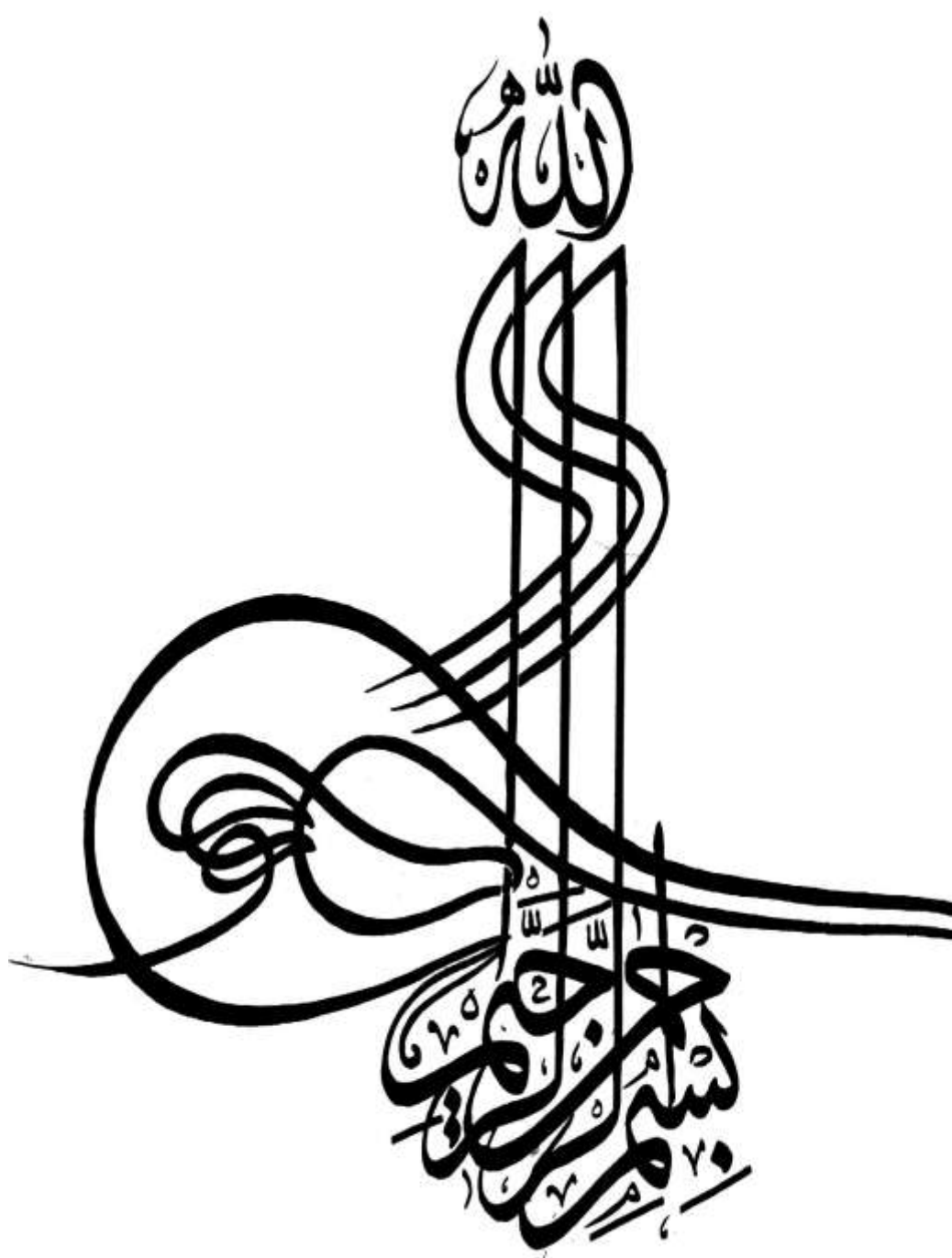




موضوع مقاله :

« فطرت میثاق ابدی »

محقق: بی بی وحیده هاشمی

تاریخ تحویل: مرداد ماه ۹۴

مشهد - مدرسه علمیه اسلام شناسی حضرت زهرا «سلام الله علیها»

چکیده	۵
مقدمه	۱
۱- مفهوم شناسی	۲
۱-۱. فطرت، واژگان مرتبط با فطرت	۳
تفاوت‌ها	۳
أ- فطرت و طبیعت	۳
ب- فطرت و غریزه	۴
ج- فطرت و عادت	۴
- ویژگی‌های فطرت	۴
۲-۱. میثاق	۵
۲- بررسی آیه میثاق	۵
- تفسیر آیه	۵
۳- نظرات درباره موطن اخذ میثاق	۶
۳-۱. عالم ذر	۶
- نقد	۶
۳-۲. تمثیل قرآنی	۷
- نقد	۷
۳-۳. عالم عقل و وحی	۸
۳-۴. عالم ملکوت	۸
۳-۵. عالم فطرت	۹
- شواهد روایی	۹
۴- مقایسه آیه میثاق با آیه فطرت	۱۰
۵- شهودی بودن میثاق فطری	۱۱
۶- تجدید پذیری پیمان فطرت	۱۲
۷- مفاد میثاق فطری	۱۳
۸- فلسفه میثاق فطری	۱۵
- نتیجه گیری	۱۶
فهرست منابع	۱۷

چکیده

فطرت بینش شاهدانه، گرایش آگاهانه و پرستش خاضعانه نسبت به خداوند است. فطرت اختصاص به انسان داشته و از جهت حضوری بودن، تغییر ناپذیری، خطاناپذیری و... با غریزه و طبیعت که در حیوانات یا جمادات هم وجود دارد، متفاوت است.

فطرت میثاق ابدی انسان با خداوند است. قرآن کریم در آیه ۱۷۲ سوره اعراف می فرماید که انسان در موطنی حقیقت خود را مشاهده نموده و به سؤال خداوند که فرمود: آیا من پروردگار تو نیستم، پاسخ آری داد و با خداوند پیمان بست که بنده او باشد و تنها ربوبیت او را بپذیرد. این پیمان تنها یک بار با خدا محکم نشد، بلکه هر زمان آدمی به فقر و عجز وجودی خویش توجه نماید، خود را بنده پروردگاری می بیند که غنی مطلق است و اگر حجاب غفلت را از فطرت خداجوی خویش کنار زند، خود را در مسیر حرکت به سوی خدا مشاهده نموده و پیمان می بندد هدایت فرستادگان خداوند و ولایت جانشینان ایشان را در مسیر بپذیرد.

هر چه انسان فطرتش از عوامل غفلت زایلتر باشد بر پیمان خود استوارتر بوده و هر گاه به مقتضای فطرتش عمل کند با خدا تجدید پیمان نموده است و از طرف دیگر، غفلت از فطرت خداجو، او را به شکستن پیمان عبودیت با خداوند می کشاند.

کلید واژگان : فطرت، میثاق، پیمان فطری، تجدید پیمان فطرت.

مقدمه

نوشتار حاضر با عنوان **فطرت میثاق ابدی** قصد دارد فطرت را از آن جهت که پیمان عبودیت انسان با خداست مورد بررسی قرار دهد. انسان به هدف عبادت و کسب معرفت آفریده شده است و خداوند برای رسیدن به این هدف، انسان را به ظرفیت ها و استعدادهای خاصی مجهز و به آفرینشی ویژه خلق نموده تا مسیر عبودیت را با سهولت طی کند. این ویژگی درونی «فطرت» نام دارد که عبارتست از سرشت ویژه انسان و مجموعه ای از توانش ها، بینش ها و گرایش های انسان نسبت به کمال مطلق.

هرگاه آدمی به مقتضای فطرت پاک خود متوجه نیازها و وابستگی های خود شود و درک کند که سراسر وجودش فقر است، وجود پروردگاری که برآورنده نیازهای او باشد را تصدیق می کند و این اعتراف در واقع پیمانی است که به زبان حال با خدای خود می بندد.

مقاله حاضر قصد دارد این میثاق فطری را با محوریت آیه ۱۷۲ سوره مبارکه اعراف که به آیه میثاق معروف است بررسی نماید.

موضوع فطرت از مباحث کلامی است و از نظر تاریخی رد پاهایی از آن در ادیان دیگر هم مشاهده می شود؛ زیرا اندیشمندان مسیحی چون توماس اکوئیناس، کالون، هرمان باونیک، آبراهام کیوپر و ... خداشناسی را در انسان امری درونی می دانستند، گرچه این مطلب را نمی توان به طور کامل بر خداشناسی فطری که در تعالیم اسلامی گفته شده منطبق دانست. موضوع فطرت با تعریف خاصش از ابتکارات دین مبین اسلام است که از قرآن و روایات اهل بیت (علیهم السلام) برداشت شده است.

موضوع فطرت از ابتدا میان مسلمانان مطرح بوده است. کتابهای روایی مهمی چون نهج البلاغه، اصول کافی، بحار الانوار و... مطالبی در این مورد دارند و همچنین برخی از اندیشمندان اسلامی در این خصوص قلم زده اند. آقا بزرگ طهرانی در کتاب الذریعه کتبی را با نام «الفطره» در قرون نخستین فهرست کرده که توسط بزرگانی چون عبدالله جبله حیان، شیخ صدوق، ابن قولویه و شیخ مفید به نگارش در آمده اند. اما در قرون اخیر این بحث مورد توجه ویژه برخی اندیشمندان قرار گرفته و افرادی چون علامه مجلسی، ملاصدرا، آیت الله شاه آبادی، علامه طباطبایی، امام خمینی، شهید مطهری و آیت الله جوادی آملی در کتب مستقل یا ضمن شرح آیات یا روایات مربوطه به آن پرداخته اند.

اما در خصوص میثاقی که انسان به مقتضای فطرتش با خداوند بسته، در متون مقدس ادیان پیشین اثری وجود ندارد و پیشینه آن به نزول قرآن و تفسیر آیات الهی باز می گردد. دوران شکوفایی آن، همزمان با رشد و شکوفایی نحله های کلامی و فلسفی به ویژه در عصر صادقین (علیهم السلام) است. بحث از پیمان الهی و موطن آن در کتاب های تفسیری به مناسبت آیه میثاق مورد بررسی بسیاری از مفسران و پژوهشگران قرآنی قرار گرفته و ذیل این آیه مطالبی به اجمال یا تفصیل بیان شده است. بررسی موضوع فطرت که سرمایه ای الهی است و راه رسیدن به عبودیت را برای انسان هموار می سازد و نیز میثاق و پیمانی که همه به آن متعهد شده اند اهمیت بسیار دارد، به ویژه در عصر حاضر که شیطان با همه انصار جنّی و انسی خود برای مدفون نمودن فطرت پاک انسان ها در حجاب

کنم و از دشمنانم انتقام گیرم و به وسیله او خواهی نخواهی عبادت شوم. گفتند: پروردگارا اقرار کردیم و گواهی دادیم.^۱

براساس روایت، پیمانی که خداوند به طور ویژه بر ولایت امام عصر(عج الله) گرفت به این جهت است که فرد آخر از معصومان دارای خصوصیتی ویژه است و فقط اوست که دین خدا را به نحو آتم و اکمل بر پا خواهد کرد.^۲

۸- فلسفه میثاق فطری

در پاسخ به این سؤال که خداوند چرا چنین پیمان درونی از انسان ها گرفته است می توان به دلایل مختلفی اشاره نمود که برخی از آنها عبارتند از:

۸-۱. رفع عذر در قیامت

مهمترین فلسفه‌ای که در میثاق انسان با خداوند نهفته است همان است که آیه به آن تصریح نموده و می فرماید: ما این میثاق را گرفتیم تا در قیامت اگر از شما سؤال کردیم چرا کفر ورزیدید، نگویید ما غافل بودیم و یا پدران ما مشرک بودند و ما وارث شرک آنهایم. پس میثاق فطرت برای اتمام حجت و رفع عذر در قیامت است.^۳

۸-۲. تسهیل هدایت انبیاء

شناخت و تمایل نسبت به خداوند که در نهاد انسان است پیامبران را در دعوت به توحید کمک می کند؛ زیرا انسانی که از درون به سوی توحید گرایش دارد، دین را بهتر و سریع تر می پذیرد. پیامبران و امامان با دسترسی به گنجینه های پنهان درون انسان و کنار زدن حجاب ها و آلودگی های مادی از فطرت او می توانند وی را از تاریکی های شرک و جهل نجات بخشند. امام علی (ع) در خطبه اول نهج البلاغه درباره هدف بعثت انبیاء می فرماید: «وَأَوْتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ لِيَسْتَأْذِنُوهُمْ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ وَيَذْكُرُوهُمْ مَنْسِيَّ نِعْمَتِهِ وَيَحْتَجُّوا عَلَيْهِمْ بِالتَّبْلِغِ وَيُثِيرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْقُفُولِ» : پیامبرانش را در میان آنها مبعوث ساخت و پی در پی رسولان خود را به سوی آنها فرستاد تا پیمان فطرت را از آنان مطالبه نمایند و نعمت های فراموش شده را به یاد آنها آورند و با ابلاغ دستورات خدا حجت را بر آنها تمام کنند و گنج های پنهان عقلها را آشکار سازند.

اگر انسان فاقد فطرت الهی بود، دعوت انبیاء به سوی خدا را سخت تر می پذیرفت انسانی که اسیر زندگی و اسباب و علل مادی و هوا و هوس خویش بود عبودیت پروردگار را انکار می نمود. پس میثاق فطری، هدایت انسان توسط پیامبران و امامان و مصلحان را سهولت می بخشد.

۸-۳. ثبات قدم در مسیر نجات

تا زمانی که انسان آن میثاق و شهود فطری را در درون جان خود زنده نگاه دارد، راه انحراف از مسیر توحید را در پیش نخواهد گرفت و آن شهود و پیمانی که با خدا بسته می تواند تضمین کننده نجات انسان و ماندن بر صراط توحید باشد. انسانی که اسیر ادراکات حسی خود است اگر با شهود درونی خدا را نیابد، پا گذاشتن بر شهوات مادی

۱- ر.ک: محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۳، کتاب ایمان و کفر، باب آخر، ح ۱، ص ۱۲.

۲- ر.ک: سید جعفر رفیعی، تفسیر و شرح زیارت آل یاسین، ص ۷۶-۸۳.

۳- ر.ک: عبدالله جوادی آملی، فطرت در قرآن، ص ۱۲۱.

برایش سخت است. گر چه ممکن است عقل در مقابل تعلیم دین خاضع شود ولی تا از درون به شهود باطنی نرسد احتمال لغزش او در مسیر نجات بیشتر است.

۸-۴. امید به هدایت همگان

فلسفه دیگر پیمانی که خداوند از درون جان انسان از او گرفته، آن است که مصلحان و انسان های متدین از هدایت دیگران هرگز ناامید نشوند؛ زیرا خواهند دانست که عوامل مختلفی در درون انسان او را برای اصلاح یاری می رساند؛ عواملی مثل عقل، وجدان و میثاق فطری. با وجود پیمانی که انسان در نهاد و سرشت خود با خدا بسته هرگز از هدایت او قطع امید نمی شود. زیرا هر لحظه ممکن است او به فطرت حقیقی خود برگشته و در صراط توحید قرار گیرد. کمالین که در طول تاریخ، انسان های زیادی در آخرین روزه های عمر خود با یک جرعه متحول شده و به راه راست فطرت بازگشته و نجات یافته اند.

۸-۵. استحکام پیمان فطری

انسانی که با شهود درونی ربوبیت خدا و عبودیت خود را بپذیرد از درون پیمانی با خدا می بندد و ضمانت اجرایی آن وجدان درونی اوست. در طول تاریخ انسان هاچه پیمانهایی را که از سر نفاق و یا حتی با اخلاص با انبیاء و اولیاء خدا بسته و چه بسیار نقض کرده اند؛ ولی عهد و پیمانی که انسان با خویشتن می بندد نسبت به پیمانهای بیرونی کمتر نقض می شود؛ زیرا وجدان هر کس بهترین قاضی و ناظری است که بر پایبندی بر تصمیم های درونی نظارت می کند و آن چه که از درون بر انسان حکومت کند موفق تر از کسی، است که بخواهد از بیرون بر او مسلط شود. از این رو پیمان درونی فطری بسیار محکمتر از سایر پیمانها است.

۸-۶. همیشگی بودن

انسان با فطرت الهی و پاک متولد شده و هر زمان که به پاکی فطری خود باز گردد عهد خود را با خدا تجدید می کند. انسان خداجو در هر لحظه ای که تسلیم امر پروردگار شده و عبودیت خود را درک کند با خدا تجدید پیمان نموده است. پس این میثاق دائمی بوده و ابتدایش خلقت انسان و پایانش نامحدود است و تا زمانی که هویت انسان که همان فطرت خداخواهی اوست تغییر نکند، پیمان فطرتش جریان دارد. گویا خداوند از انسان میثاقی فطری گرفته تا او را برای همیشه در مسیر نجات نگاه دارد.

- نتیجه گیری

- فطرت حقیقت انسان و مجموعه بینش شهودی، گرایش آگاهانه و پرستش خاضعانه انسان نسبت به خداوند است.

- فطرت دارای ویژگی‌هایی مانند: حضوری بودن، تغییر ناپذیری، شدت و ضعف داشتن، خطا ناپذیری و... است که آن را از غریزه، طبیعت و... ممتاز می‌کند.
- قرآن در آیه ۱۷۲ سوره مبارکه اعراف به صراحت می‌فرماید: خداوند در موطنی خاص حقیقت انسان را به او نشان داده و انسان با مشاهده عجز و فقر خود، ربوبیت پروردگار و عبودیت خود را پذیرفته است و با خدا پیمان بسته است.
- میان مفسران در مورد موطن آن پیمان اختلاف نظر وجود دارد؛ ولی به نظر می‌رسد موطنی که انسان در آن پیمان سپرده، عالم فطرت باشد و این، قول برگزیده است.
- هر گاه انسان حجاب‌های غفلت را از فطرت خود کنار زده و به فقر ذاتی خود بیندیشد، در نهان و آشکار به عبودیت خود و به وجود پروردگاری که بی‌نیاز مطلق باشد اعتراف می‌کند و این اعتراف به منزله پیمانی مجدد با خداوند است و هر لحظه قابل تجدید است.
- در پیمان فطرت انسان علاوه بر ربوبیت خدا و عبودیت خویش، بر پذیرش رسالت انبیاء، ولایت ائمه معصومین (علیهم السلام) و به ویژه ولایت امام زمان (عج الله) میثاق می‌سپارد.
- پیمان فطرت عمومی‌ترین و محکم‌ترین پیمانهای انسان است.
- پیمان فطرت، عهدی شهودی و باطنی است و چون ضمانت اجرایی آن در باطن انسان است از همه پیمان‌های او محکم‌تر است.
- توجه به فطرت خدانشناسی و خداخواهی، انسان را در هر برهه‌ای از زمان به وفای عهدی که با خدا بسته می‌خواند.
- این پیمان همیشگی است و می‌تواند لحظه به لحظه تجدید شود.
- پیمان فطرت در قیامت هیچ عذری را برای کافران باقی نمی‌گذارد.
- انسان تا زمانی که فطرتش سالم بماند بر سر پیمان خود ثابت قدم است و از صراط مستقیم منحرف نمی‌شود.
- بهترین راه نجات انسان در عصر حاضر، توجه او به فطرت و یادآوری پیمانی است که با خدا بسته است.

والسلام

فهرست منابع

❖ قرآن کریم

❖ نهج البلاغه

۱. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام اسلامی، ۱۴۰۴ق.

۲. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ و
۳. جوادی آملی، عبدالله، فطرت در قرآن، چ ۳، اسراء، ۱۳۸۴.
۴. -----، تسنیم، چ ۶، تحقیق علی اسلامی، اسراء، ۱۳۸۹.
۵. -----، تفسیر انسان به انسان، تحقیق محمد حسین الهی زاده، چ ۵، اسراء، ۱۳۸۹.
۶. -----، شمس الوحی تبریزی، تحقیق علیرضا روغنی موفق، چ ۵، اسراء، ۱۳۸۸.
۷. -----، شناخت شناسی در قرآن، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه، ۱۳۷۰.
۸. -----، ادب فنای مقربان، تحقیق محمد صفایی، چ ۳، اسراء، ۱۳۸۹.
۹. -----، فلسفه ملا صدرا،
۱۰. خمینی، روح الله، شرح چهل حدیث، تهران مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.
۱۱. -----، شرح حدیث جنود عقل و جهل، چ ۷، تهران، موسسه تنظیم آثار امام خمینی، ۱۳۸۲.
۱۲. راغب اصفهانی، محمد، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق ندیم مرعشلی، المكتبة المرتضویه، بی تا.
۱۳. رفیعی، سید جعفر، تفسیر و شرح زیارت آل یاسین، چ ۲، قم، مؤسسه یاران قائم، ۱۳۸۳.
۱۴. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.
۱۵. سبحانی، جعفر، منشور جاوید، چ ۱، قم: موسسه امام صادق «علیه السلام»، ۱۳۸۳.
۱۶. سیاهپوش، آیین فطرت، بی جا، بی نا، ۱۴۰۲ ق.
۱۷. شاه آبادی، محمد علی، رشحات البحار، شارح علی اکبر اخوان، بی جا، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۶۰ ش.
۱۸. شیروانی، علی، تعلیقاتی بر ارزش معرفت شناختی تجربه دینی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰.
۱۹. -----، ترجمه و شرح بدایه الحکمه، چ ۱۰، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۸.
۲۰. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چ ۲، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰.
۲۱. طباطبایی، محمد حسین، المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴.
۲۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
۲۳. عسگری، ابوهلال، فروق فی اللغة، ترجمه و تعلیق محمد علوی مقدم، مشهد: امور فرهنگی آستان قدس، ۱۳۶۲.
۲۴. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین.
۲۵. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، قم: دارالکتاب، ۱۳۶۷.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، انتشارات علمیه اسلامی، بی جا، بی تا.
۲۷. گرامی، علی، معارف الشیعه، بی جا، بی نا، چ ۲، ۱۳۷۵.
۲۸. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار.
۲۹. -----، مراه العقول، چ ۲، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳.
۳۰. مصباح یزدی، معارف قرآن، قم: در راه حق، ۱۳۷۳.
۳۱. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، ایران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱.

۳۲. مطهری، مرتضی، فطرت، چ ۷، قم، نشر صدرا، ۱۳۷۴.
۳۳. مظفر، محمد رضا، المنطق، نجف، مطبعة النعمان، ۱۳۸۸ق.
۳۴. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب السلامیه، بی تا.
۳۵. ملاصدرا، تفسیر القرآن الکریم، چ ۲، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۱۹.